



مقام معظم رهبری

## همایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

### نگاهی اجمالی به کرامات تلفیقی و فعالیت های سیاسی امام جعفر صادق (ع)

ستاره موسوی<sup>۱</sup>: دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه اصفهان

شکوفه رضازاده: دانش آموخته کارشناسی ارشد برنامه ریزی آموزشی

دکتر سید ابراهیم جعفری: عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان

همانطور که پیامبران الهی برای اثبات نبوت خویش افعال خارق العاده ای به عنوان معجزه انجام می دهند ائمه اطهار و اولیای الهی هم برای اثبات حقانیت خویش، بیدار کردن مردم یا جهات دیگر، کراماتی از خود بروز می دهند و از طرف خداوند به آن ها عنایات ویژه ای می شود که باور آن ها برای اذهان عمومی خیره کننده و تعجب برانگیز است. امام جعفر صادق نیز با توجه به شرایط تهدیدآمیزی که در آن به سر می بردند به منظور خنثی سازی تهدیدها به فعالیتها و کرامات بسیاری با ارزشی پرداختند که نقشی متحول کننده و اساسی در دنیای اسلام داشته است. با توجه به اهمیت و جایگاه این کرامات و فعالیت های سیاسی، تحقیق حاضر با روش توصیفی تحلیلی ضمن توصیف شرایط بحرانی و تهدید کننده امام جعفر صادق (ع) به بیان اجمالی از کرامات ایشان می پردازد و سوال اصلی تحقیق توصیفی تبیین ابعاد کرامات و فعالیت های سیاسی ایشان می باشد. تحقیق حاضر نشان می دهد که دیدگاه امام جعفر صادق دیدی کل نگر و ترکیبی در همه عرصه های زندگی بوده و ایشان همی‌شه با روش های تربیتی عملی و کاربردی مردم را هدایت می کردند.

**واژگان کلیدی:** کرامات، امام جعفر صادق، فعالیت های سیاسی

## بهائش علی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



مقام معظم رهبری

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

### مقدمه

قرآن کریم، مردم را به اندیشیدن درباره اشیا و موجودات اطراف خود فرا می خواند. امام صادق علیه السلام نیز که قرآن ناطق است، مردم را به تفکر در دشت و دریا، حیوان و انسان و پرندگان فرامی خواند. نظم و تدبیر، حکمت و اندازه گیری و هماهنگی در موجودات، شگفت انگیز است. امام صادق علیه السلام در سخنان خود به مفضل بارها چنین می فرماید: «ای مفضل!... اندیشه کن و عبرت بگیر». آری شایسته است در همین امور عادی اندیشیده شود. دانستن کافی نیست؛ باید در دانسته ها اندیشید. این گونه است که امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «هیچ عبادتی مانند اندیشیدن در آفرینش خدا نیست». یا امام صادق علیه السلام فرمود: «برترین عبادت، اندیشیدن مداوم درباره خدا و قدرت اوست». خداوند متعال، معدن بی کران لطف و مهربانی است، و دوست دارد که بندگانش همیشه در راه راست گام بردارند و در صورت ارتکاب گناه، از ادامه آن عمل ناپسند دست برداشته و پرونده تاریک خود را به نور توبه روشن کنند؛ از این رو هرگاه که انسان خطاکار، با توجه دقیق به پیامدهای خطرناک عمل خود و ترس از مجازات الهی از کرده خود پشیمان شود، می تواند با عدم تکرار خطاهای گذشته، به عفو و بخشش خداوند مهربان امیدوار بوده و به این ترتیب ذات اقدس الهی را از خویش خشنود سازد. تربیت انسان شایسته، نقطه مشترک غالب شیوه های تربیتی، اندیشه (هم وطن شایسته) است ولی هدف تربیت اسلامی (انسان شایسته) است و این هدف بزرگ تر و فراگیرتر است و هدفی جهانی برای تربیت و تعلیم به حساب می آید پس تربیت اسلامی همچون تمدن اسلامی عبارت است از نتیجه کنش و واکنش فرهنگ ها، و آداب ملت های مختلفی که در سایه حکومت اسلامی و تحت تأثیر زبان عربی انسجام و ارتباطی پیدا کرده اند.

دوران زندگانی آن حضرت با ده نفر از خلفای اموی و دو نفر از خلفای عباسی، و مدت ۳۴ سال امامت ایشان با هفت تن از آنان مقارن بوده است که عبارتند از:

- ۱- هشام به عبدالملک (۱۰۵-۱۲۵) شمه ای از کرامات امام صادق علیه السلام ه. ق. ۲- ولید بن یزید به عبدالملک (۱۲۵-۱۲۶). ۳- یزید بن ولید بن عبدالملک (۱۲۶). ۴- ابراهیم بن ولید بن عبدالملک (۷۰ روز از سال ۱۲۶). ۵- مروان بن محمد (۱۲۶-۱۳۲). ۶- عبدالله بن محمد مشهور بن سفاح (۱۳۲-۱۳۷). ۷- ابو جعفر مشهور به منصور دوانیقی (۱۳۷-۱۵۸)

دوران امامت آن حضرت با شرایط خاص و ممتاز سیاسی و اجتماعی همراه بود که زمینه را برای فعالیت های علمی و مذهبی فراهم آورده بوده از طرفی بنی امیه دوران ضعف و رکود خود را سپری می کردند و دائما در حال نزاع و

## همایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



مقام معظم رهبری

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

کشمکش با بنی عباس بودند. لذا فرصت ایجاد فشار و اختناق نسبت به امام علیه السلام و شیعیان را نداشتند و از طرف دیگر حکومت نوپای عباسیان که با شعار طرفداری از خاندان رسالت به قدرت رسیده بودند، در صدد آزار و اذیت شیعیان نبودند. این موقعیت ممتاز سبب شد که یک جنبش علمی و فکری در جامعه اسلامی به وجود آید و امام صادق علیه السلام در راس این جنبش توانست به انتشار علوم الهی بپردازد و جهان اسلام را از معارف اسلامی سیراب سازد. موقعیت علمی ایشان چنان ممتاز بود که تمام مسلمانان، حتی علمای دیگر مذاهب در مقابل آن سر تعظیم فرود آورده اند. چنان که ابوحنیفه (مؤسس مذهب حنفی از مذاهب چهارگانه اهل سنت) می گوید: «ما رایت افقه من جعفر بن محمد (صلاح الدین الصفدی و جمال الدین مزنی و جرجانی)؛ من کسی را فقیه تر [و دانشمندتر] از جعفر بن محمد ندیده ام.» این امور سبب شد که شاگردان فراوانی در حوزه درس ایشان پرورش یابند که عدد آنان بالغ بر چهار هزار نفر است. (ارشاد مفید، ج ۲، باب ۱۲) شیخ طوسی در رجال خود بیش از سه هزار نفر از آنان را نام برده که از برجسته ترین آنان می توان به: هشام بن حکم، محمد بن مسلم، ابان بن تغلب، هشام بن سالم، مؤمن الطاق، مفضل بن عمر، ابوحنیفه و جابر بن حیان، اشاره نمود.

### اوضاع سیاسی جهان اسلام معاصر با امام صادق علیه السلام

اوضاع سیاسی معاصر امام بویژه در دهه های آخر، بسیار آشفته بود. خلفای اموی با چالشهای قومی و قیامهای متعدد مواجه بودند که اقتدار سیاسی آنان را کاهش داده و مشروعیت سیاسی و اجتماعی آنان آسیب جدی دیده بود. از این روی فشار و جو اختناقی که در دوران ائمه پیشین بود در این دوره از کاهش نسبی برخوردار شده بود. به هر روی در این دوره امام شاهد تغییر قدرت سیاسی از بنی امیه به بنی عباس بود.

### وضعیت درون حاکمیت

با مرگ هشام، ولید بر مسند خلافت می نشیند او فردی می گسار و زن باره، است. لذا کارهایش بر مردم و لشکریانش گران آمد پس طی شورش کشته شد. همچنان که سال بعد وقتی یزید بن ولید در شرف مرگ بود ابراهیم، پسرش، جانشین او می شود اما به سرعت توسط مروان بن محمد و در طی یک لشکرکشی از خلافت خلع می شود. مدتی پیش نگذشته بود که سلیمان بن هشام که بیش از ده هزار تن در اختیار داشت مروان را مخلوع اعلام نمود و بین آن دو جنگ سختی در گرفت که در نهایت به بقاء مروان انجامید. اختلاف قبایل هم چشمگیر بوده است، قیسیان با عبدالملک بن مروان در افتادند اما بعد با پسرش هشام همراه شدند همچنان که در خونخواهی ولید بن یزید کوشیدند و بعد به مروان بن محمد یاری رساندند در مقابل قبایل یمنی به عباسیان متمایل بودند و در نهایت آنان را به خلافت رساندند.

درگیری های خارجی: تعداد این جنگ ها زیاد بوده که به نمونه هایی اشاره می شود:



مقام معظم رهبری

## بهائش علی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

1. جنگ با ترکان خزری در سال ۱۱۴ هـ ق و ادامه آن در سال ۱۱۹ هـ ق که مسلمین موفق به کشتن خاقان ترک در حوالی بلخ و طخارستان گردیدند.

2. جنگ با رومیان در سال ۱۱۵ هـ ق و ۱۱۸ هـ ق و ۱۱۹ هـ ق.

3. جنگ در ماوراء النهر در سال ۱۲۱ هـ ق که تا تاشکند رسیده بود.

**ناآرامی های داخلی:** ناآرامی ها در این دوره چالش جدی برای امویان بود که نتوانستند آنها را سرکوب و بکلی ریشه کن کنند. از این رو بعدها در زوال قدرت امویان و پیروزی عباسیان بسیار موثر افتاد. شورش ها را به دو دسته اجتماعی و سیاسی می توان تقسیم کرد، شورش های سیاسی با انگیزه سیاسی و دارای رهبری بودند و شورش های اجتماعی غالباً بدون برنامه قبلی و بدون رهبری خاص صورت می گرفت.

**الف) شورش های اجتماعی:** ۱- شورش مردم حمص پس از کشته شدن ولید که توسط یزید بن ولید سرکوب شد. ۲- شورش مردم فلسطین و بیرون راندن والی اموی به سال ۱۲۶ هـ ق. ۳- در همین سال در خراسان نزاری ها و یمانی ها به جان هم افتادند. چون فرمان حکومت به نام نصر بن سیار آمد. مصری ها از او حمایت کردند و عده ای به پیروی از شخصی به نام جُدیع کرمانی پرداختند. ۴- شورش مردم یمامه علیه کارگزار اموی به سال ۵۰۱۲۶- شورش مردم حمص بار دیگر در دوره خلافت مروان بن محمد.

**ب) قیام های سیاسی:** 1. در سال ۱۲۶ خوارج اباضیه در یمن خروج کردند و مدت سه ماه بر مدینه تسلط یافتند.

۲. در سال ۱۲۷ هـ ق ضحاک بن قیس خارجی قیام کرد و وارد کوفه شد مردم موصل نیز از او پیروی کردند. او با سپاهی صد هزار نفری به جنگ با سپاه خلیفه رفت اما کشته شد. پس از او شیبان حروری رهبری شورشیان را به عهده گرفت بالاخره شیبان گریخت.

۳. قیام زید بن علی بن حسین به سال ۱۲۳ هـ ق در کوفه که مردم بسیاری با او بیعت کردند اما چون او از لعن شیخین امتناع کرد شیعیان کوفه او را رها کردند. بالاخره در جنگ با سپاه اموی زید شکست خورد و اعدام گردید.

در مورد عقاید او اختلاف نظر زیادی وجود دارد. در هر صورت چون زید کشته شد پسرش یحیی به خراسان رفت و در آنجا قیام نمود. امام صادق - علیه السلام - کشته شدن او را از قبل پیش بینی فرموده بود.

**قیام عباسیان:** نهضت عباسی به سال ۱۲۹ هـ ق در خراسان توسط ابو مسلم رسماً اعلام موجودیت کرد. قبل از این فعالیت های آنان از سال ۱۱۸ توسط امام محمد به طور کاملاً مخفیانه رهبری می شد، ابو مسلم توانست همکاری اقوام یمنی و ربیعیه و نیز خوارج حروریه را جلب کند و به زودی بر سرزمین شرق تسلط یابد. بالاخره به سال ۱۳۲

## همایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



مقام معظم رهبری

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

نیروهای عباسی وارد کوفه شدند و ابو سلمه مسئولیت کوفه را عهده‌دار گردید. در این زمان بنی عباس که با «شعار الرضا من آل محمد» همکاری علویان را نیز جلب کرده بودند و حتی با محمد بن نفس زکیه به خلافت بیعت کرده بودند، به تصفیه کسانی که به عباسیان اخلاص نداشتند پرداختند و بالاخره با ابو العباس سفاح به عنوان خلیفه بیعت شد.

### کرامات اولیاء

همانطور که پیامبران الهی برای اثبات نبوت خویش افعال خارق العاده ای به عنوان معجزه انجام می دهند ائمه اطهار و اولیای الهی هم برای اثبات حقانیت خویش، بیدار کردن مردم یا جهات دیگر، کراماتی از خود بروز می دهند و از طرف خداوند به آن ها عنایات ویژه ای می شود که باور آن ها برای اذهان عمومی خیره کننده و تعجب برانگیز است. هنگامی که صفحات تاریخ را ورق می زنیم با نمونه های بسیاری از این امور مواجه می شدیم که به دو نمونه از آن ها از زبان قرآن اشاره می کنیم:

۱- یکی از کرامات حضرت مریم، نزول طعام آسمانی از طرف خداوند برای اوست. قرآن کریم می فرماید: «کَلِمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدَ اللَّهِ»؛ «هرگاه حضرت زکریا بر مریم در محراب وارد می شد، غذای مخصوصی نزد او می دید. (آن حضرت سؤال می کرد) ای مریم! این غذا را از کجا آورده ای (او پاسخ می داد): این ها از سوی خداوند است.»

۲- نمونه دیگر درباره آصف بن برخیا از یاران حضرت سلیمان است که تخت بلقیس را در مدت زمان کمی از مکانی دور حاضر نمود. خداوند متعال می فرماید: «قال الذی عنده علم من الكتاب انا آتیک به قبل ان یرتد الیک طرفک فلما راه مستقرا عنده قال هذا من فضل ربی»؛ «کسی که دانشی از کتاب داشت گفت: من آن را پیش از آن که چشم بر هم زنی نزد تو خواهم آورد. پس هنگامی که [سلیمان] آن را نزد خود دید گفت: این از فضل پروردگار من است.»

انجام کرامات به دست اولیای الهی آن قدر روشن و بدیهی است که اکثر مسلمین بر جواز آن اتفاق دارند.

تفتازانی از علمای اهل سنت می گوید: «ظهور و روشنی کرامات اولیای خدا همچون روشنی معجزات انبیاء است و انکار این امور توسط اهل بدعت و گمراهان چیز عجیبی نیست، چرا که آنان خود توان انجام آن را ندارند و درباره حکام خود هم آن را نشنیده اند، لذا دست به انکار می زنند.» و در جای دیگر می گوید: «کرامات حضرت علی علیه السلام آن قدر زیاد است که قابل شمارش نیست.» (شریف رضی، ج ۵، ص ۷۶).

### کرامات امام صادق (ع)

## همایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



مقام معظم رهبری

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

در ذیل برخی از کرامات امام صادق علیه السلام بیان می گردد.

### ✚ باطل کردن سحر ساحران

محمد بن سنان می گوید: منصور دوانیقی هفتاد مرد از شهر کابل را فراخواند و به آن ها گفت: وای بر شما که ادعای ساحر بودن دارید و بین زن و شوهر او فاصله می اندازید ... او با وعده های بسیار آن ها را تحریک کرد تا با انجام سحرهای خود ابا عبدالله را مبهوت و مقهور خود سازند. ساحران به مجلسی که منصور فراهم کرده بود رفتند و انواع صورت ها از جمله صورت های شیر را به تصویر کشیدند تا هر بیننده ای را سحر کنند. منصور بر تخت خود نشست و تاج خود را بر سر گذاشت و به دربان دستور داد که امام صادق علیه السلام را وارد سازند. وقتی امام ششم وارد شد، نگاهی به آن ها کرد و دست به دعا برداشت و دعایی خواند که برخی از الفاظ آن شنیده می شد و قسمتی را هم به طور آهسته خواند، سپس فرمود: وای بر شما به خدا قسم سحر شما را باطل خواهم نمود. سپس با صدای بلند فرمود: ای شیرها آن ها را بلعید، پس هر شیری به ساحری که او را درست کرده بود حمله کرد و او را بلعید. منصور بهت زده از تخت خود بر زمین افتاد و با ترس می گفت: ای ابا عبدالله! مرا ببخش دیگر چنین کاری نخواهم کرد، حضرت هم به او مهلت داد. بعد منصور دوانیقی از امام علیه السلام درخواست کرد، شیرها ساحرانی را که خورده بودند برگردانند. امام صادق علیه السلام فرمود: اگر عصای موسی آنچه را بلعیده بود برمی گرداند، این شیرها نیز چنین می کردند. (بحرانی، ج ۵، ص ۲۴۶؛ ابن جریر طبری، ص ۲۹۸ و شیخ مفید، ص ۲۴۶).

### ✚ آگاهی از غیب

موارد متعددی در تاریخ نقل شده است که بیانگر آگاهی و اشراف کامل امام صادق علیه السلام بر امور غیبی است و کلامی را که ایشان فرموده: «نحن ولاء الامر و خزنة علم الله (کلینی، جلد ۱)؛ ما والیان امر و خازنان علم خداوند هستیم.» در عمل نشان داده و به اثبات رسانده است. در این نوشتار به ذکر یک نمونه اکتفا می کنیم: ابراهیم بن مهزم می گوید: از محضر امام صادق علیه السلام جدا شدم و به منزل رفتم، شب هنگام بین من و مادرم مشاجره ای رخ داد، بر سر او فریاد زدم و با تندی با او سخن گفتم، صبح شد، نماز را خواندم و بلافاصله نزد امام آمدم، همین که داخل شدم فرمود: ای پس مهزم! چرا بر سر مادر خود فریاد زدی؟ آیا نمی دانی که او تو را در شکم خود نگهداری کرد و در دامان خود پروراند و با شیر خود تو را تغذیه نمود؟ عرض کردم: آری. ایشان فرمودند: پس هیچ وقت با تندی با او سخن مگو. (صفار قمی، ص ۲۴۳؛ مدینه المعاجز، همان، ج ۵، ص ۳۱۴).

### ✚ آتش در اطاعت امام

## بهائش علی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



مقام معظم رهبری

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام بنام مامون رقی نقل کرده است که: در محضر سرور و مولایم امام صادق علیه السلام بودم، سهل بن حسن از شیعیان خراسان وارد شد و سلام کرد و نشست، عرض کرد: ای فرزند رسول خدا کرامت و بزرگی از آن شماست، شما خاندان امامت، چرا بر این حق خود سکوت کرده و قیام نمی کنید و حال آن که هزاران نفر از شیعیان شما آماده شمشیر زدن در رکاب شما هستند. امام علیه السلام فرمود: ای خراسانی! لحظه ای درنگ کن. پس امر فرمود که تنور را روشن کنند، هنگامی که آتش شعله ور شد، به سهل فرمود: داخل تنور شو، سهل گفت: ای پسر رسول خدا مرا از این کار معاف بدار، در این هنگام هارون مکی یکی از اصحاب با وفای امام علیه السلام وارد شد در حالی که کفش های خود را در دست گرفته بود، سلام کرد و جواب شنید، امام به او فرمود: کفش های خود را بر زمین بگذار و داخل تنور شو، او بدون هیچ درنگی وارد تنور شد و در میان شعله های آتش نشست. امام صادق علیه السلام رو به خراسانی کرد و از حوادث خراسان برای او گفت، انگار امام علیه السلام در آن جا حاضر بوده است، سپس فرمود: داخل تنور را نگاه کن. مامون رقی می گوید: من هم جلو رفتم و داخل تنور را مشاهده کردم، هارون مکی در میان آتش نشسته بود و برخاست و از تنور خارج شد. امام به سهل فرمود: در خراسان چند نفر مانند او می شناسی؟ عرض کرد: به خدا قسم احدی را نمی شناسم، امام علیه السلام حرف او را تایید نمود و فرمود: در زمانی که ما حتی پنج نفر از این گونه یاران نداریم چگونه قیام کنیم؟ (همان منبع).

### شفا یافتن به دعای امام

عمار سه فرزند به نام های «اسحاق»، «اسماعیل» و «یونس» داشت، آن ها نقل کرده اند که «یونس» به مرض بدی مبتلا شده بود، به محضر امام صادق علیه السلام رفتیم، امام با مشاهده وضع یونس، دو رکعت نماز خواند و خدا را حمد کرد و بر نبی اکرم صلی الله علیه و آله و آل او درود فرستاد و ذکرهایی بر زبان جاری ساخت و از خداوند چنین خواست: «واصرف عنه شر الدنيا والاخرة واصرف عنه ما به فقد غاظني ذلك واحزنني شر دينا و آخرت را از او دور نما و این مرض را از او بر طرف ساز که عارضه او مرا ناراحت و غمگین کرده است.» آن سه نفر نقل می کنند که: به خدا قسم از شهر خارج نشده بودیم که بیماری او برطرف شد و شفا یافت (همان منبع).

### بخشش به نیازمندان

امام (ع) با آن همه تاکید و تلاش در به دست آوردن روزی حلال، بسیار بخشنده و کریم بود. یاران و پیروان خود را به بخشش سفارش می کرد و تاکید می فرمود یاور درماندگان و دستگیر در راه ماندگان باشند. او خود نیز عملاً چنین بود. پیوسته می فرمود: «مال با صدقه کم نمی شود.» امام بی توجهی به مؤمنان نیازمند را کوچک شمردن آنان می دانست و کوچک شمردن آنها را توهین به اهل بیت پیامبر (ص). حضرت صادق (ع) از راههای مختلف به خویشان و دیگر مردم نیازمند کمک می کرد. گاه نهانی صدقه می داد و گاه آشکارا؛ گاه توسط کسی می فرستاد و



مقام معظم رهبری

## بهائش علی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد خشکیات بود.

گاه خود می برد. گاهی نیز غذا می پخت و افراد را به خوردن دعوت می کرد. شبانگاه، که تاریکی شب سایه می گسترد و مردم می خفتند، امام (ع) همچون پدرانش زنبیلهای نان و گوشت بردوش می گذارد، کیسه های درهم و دینار در دست می گرفت، ناشناس به سراغ نیازمندان می رفت و غذا و پول را میان آنها تقسیم می کرد. معلی، یکی از ارادتمندان امام صادق (ع) می گوید: «امام (ع) در شبی که باران نم نم می بارید از خانه به قصد سقیفه بنی ساعده بیرون رفت. من پنهانی دنبالش رفتم. در میان راه، ناگاه چیزی بر زمین افتاد. فرمود: «بسم الله، خدایا به من بازش گردان». جلو رفتم و سلام کردم، فرمود: معلی هستی؟ گفتم: آری، فدایت شوم. فرمود: «با دستانت جستجو کن، آنچه یافتی به من بده». جستجو کردم، نانهای پراکنده ای یافتم. وقتی آنها را به امام (ع) می دادم کیسه ای پر از نان بر دوشش دیدم. گفتم: اجازه بفرمایید من آن را بردارم. فرمود: من به حمل آن سزاوارترم، ولی با من بیا. سپس به سقیفه بنی ساعده رفتم و مردمی را خفته یافتیم. امام (ع) کنار هر نفر یک یا دو نان گذاشت و برگشتیم. علاوه بر آنچه امام خود شبانه به نیازمندان می داد، گاه به واسطه دیگران نیز اموالی برای آنان می فرستاد و می گفت: «به گیرنده نگویند من داده ام» بر صدقه پنهانی تاکید می کرد و آن را بسیار دوست داشت. فضل بن ابی قره می گوید: «امام کیسه های پول را به کسی می داد و می فرمود: اینها را به فلانی و فلانی از بنی هاشم بده و بگو از عراق برایتان فرستاده اند.» آن شخص می برد و باز می گشت. امام می پرسید: چه گفتند؟ پاسخ می داد: گفتند: به سبب نیکی ات به خویشان پیامبر (ص)، خدای پاداش نیکت دهد.» بخششهای شبانه امام ادامه داشت و گیرندگان دهنده را نمی شناختند؛ تنها پس از درگذشت امام دریافتند که یاور آنان که بوده است. افزون بر این، امام آشکارا نیز از مستمندان دستگیری می کرد (فندرسکی ۱۳۸۷). یک بار چهارصد درهم و یک انگشتری به ارزش ده هزار درهم به فقیری بخشید. امام صادق - که درود خدا و فرشتگانش بر او باد - در صدقه دادن روشی ویژه داشت؛ اگر گیرنده به آنچه می گرفت قانع بود و خدای را سپاس می گفت، امام بیشتر به او می بخشید؛ و اگر آن را کم می دانست یا به جای شکر خدای از امام تشکر می کرد، دیگر چیزی به او نمی داد. مسمع بن عبد الملک گوید: «روزی خدمت امام صادق (ع) بودیم و انگور می خوردیم. نیازمندی آمد و چیزی خواست. امام (ع) خوشه ای انگور به وی داد. نیازمند گفت: نیازی به این ندارم پول بدهید! امام چیزی به او نداد و فرمود: خدای روزی دیگران را زیاد کند. نیازمند رفت و دوباره باز آمد و گفت: همان خوشه انگور را بدهید. امام چیزی به او نداد و فرمود: خدای روزی ات را زیاد کند. سپس نیازمند دیگری آمد. امام (ع) سه دانه انگور به وی داد. نیازمند گرفت و گفت: سپاس خدای را که این روزی ام کرد. امام صادق (ع) فرمود: بمان. سپس پولی که حدود بیست درهم بود، به او داد. نیازمند گرفت و گفت: خدایا، تو را سپاس. این تنها از طرف تو است. امام فرمود: بمان. سپس پیراهن خود را به او بخشید و فرمود: این را بپوش! مرد تهیدست پیراهن را گرفت، پوشید و گفت: سپاس خدای که مرا پوشاند... ای ابا عبد الله، خدایت پاداش نیک دهد. جز این برای امام دعای دیگری نکرد و ما گمان کردیم که اگر امام را دعا نمی کرد همچنان به او چیز می بخشید.» امام (ع) همچنین از محصول باغهای خود نیز به نیازمندان، رهگذران و همسایگان می بخشید. امام باغی به نام چشمه «ابی زیاد» داشت که سالانه چهار هزار دینار درآمد داشت. آن قدر از آن می




## همایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



مقام معظم رهبری

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

بخشید که تنها چهارصد دینار باقی می ماند. این باغ ماجرای شگفت دارد. یکی از یاران امام (ع) به وی گفت: «شنیده ام در باغ چشمه ابی زیاد کاری شگفت می کنی، دوست دارم از زبان شما بشنوم.» امام فرمود: «آری، چون خرماها می رسد، فرمان می دهیم دیوارهای باغ را سوراخ کنند تا مردم وارد شوند و از میوه آن بخورند.» و نیز فرمان می دهیم «ده ظرف خرما، که بر سر هر یک ده نفر می توانند بنشینند، آماده کنند و چون ده نفر بخورند، ده تن دیگر بیایند و هر نفر یک مد خرما می خورند.» سپس فرمان می دهیم به تمام همسایگان باغ، از پیرمرد و پیرزن و مریض و کودک و زن و همه کسانی که توانایی آمدن نداشته اند، یک مد خرما بدهند. سپس مزد باغبانان و کارگران و سرپرستان باغ را می دهیم و باقیمانده محصول را به مدینه می آورم و بین نیازمندان و آبرومندان به اندازه نیازشان تقسیم می کنم؛ و در پایان از چهارهزار دینار، چهارصد دینار برایم باقی می ماند. امام صادق (ع)، افزون بر این بخششها، بسیار میهمانی می داد. شاگردان، پیروان خویشاوندان، غریبان و رهگذران را به میهمانی می خواند و اطعام می کرد. خانه اش منزلگاه غریبان و مسافران بود. میهمانی دادن را بسیار دوست داشت. اطعام را از آزاد کردن بنده بهتر می دانست. او به پیروانش سفارش می کرد که خویشان و همسایگان و دوستان خویش را اطعام کنند. امام (ع) به اندازه ای میهمانی می داد که می توان گفت، بیشتر اوقات میهمان داشت. مردم می گفتند: «جعفر بن محمد به اندازه ای مردم را اطعام می کند که برای خانواده اش چیزی باقی نمی ماند.» امام صادق (ع) وقتی نمی خواست کسی را به خانه ببرد، تعارف نمی کرد. چون میهمانان بر سر سفره می نشستند، تعارف می کرد که بیشتر بخورند و هر چه بیشتر می خوردند، شادمان تر می شد. گاه خود از میهمانان پذیرایی می کرد. و کارهای آنها را انجام می داد، سر سفره گوشتها را جدا می کرد و در برابر میهمانان می گذاشت. خود برای میهمانان غذا می نهاد و حتی به دست خود برای آنها لقمه می گرفت. بسیار اتفاق می افتاد که وقتی مجلس درس و مناظره تمام می شد، موقع غذا خوردن بود. شاگردان و حاضران در محفل را نگه می داشت و با آنها غذا می خورد. در مقابل میهمانان بسیار خوشرو و خوشرفتار بود. و فقیر و غنی را باهم دعوت می کرد. گاه به میهمانان غذای بسیار لذیذ می داد و گاه غذای ساده و معمولی. در پاسخ یکی از یاران در این مورد، فرمود: من به اندازه توانم غذا می دهیم. چون خدای روزی زیاد برساند، طعام نیکو می دهیم؛ و چون روزی کم برسد، با غذای معمولی اطعام می کنم. چون میهمانی می داد غذایش هم خوب بود و هم زیاد. میهمانان را بزرگ می داشت و از حضور آنها اظهار شادمانی می کرد. به هنگام آمدن میهمانان، به آنها خوش آمد می گفت و در باز کردن و وانهادن بارشان به آنها کمک می کرد. هنگام رفتن میهمانان، در بستن بار و بنه به آنها کمک نمی کرد و خدمتکارانش را نیز از کمک کردن به آنها باز می داشت. چون سبب را می پرسیدند می فرمود: ما خاندانی هستیم که میهمانان را بر رفتن از منزلمان یاری نمی دهیم (همان منبع).

شجاعت: 

امام صادق (ع) از نسل علی بود و در شجاعت بی نظیر. او شجاعت و پایداری را از پدران خود به ارث برده بود. در مقابل زورمندان و امیران از گفتن حق پروا نداشت. روزی منصور، خلیفه عباسی، از مگسی درمانده شد و از وی پرسید: چرا خداوند مگس را آفرید؟ امام (ع) پاسخ داد: «تا جباران را خوار کند.» وقتی «داوود بن علی،

## همایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



مقام معظم رهبری

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

فرماندار مدینه، معلی بن خنیس را کشت، شمشیر برگرفته به کاخ امارت رفت؛ حقش را مطالبه کرد؛ قاتل «معلی» را به قصاص کشت. ماموران حکومت خانه اش را به آتش کشیدند، در میان شعله های آتش قدم می زد و می فرمود: «من فرزند ابراهیم خلیلم» وقتی که فرماندار اموی مدینه در حضور بنی هاشم و در خطبه های نماز علی (ع) را دشنام داد و همه بنی هاشم سکوت کردند، امام (ع) چنان پاسخ کوبنده ای به او داد که فرماندار بی آنکه خطبه را تمام کند راه خانه پیش گرفت (حرانی، ۱۳۸۲).

### مهابت، گذشت و بردباری :

امام (ع) مهابتی خدادادی داشت، چهره اش نورانی بود و نگاهش نافذ. عبادت بسیار سبب شده بود ابهتش دلها را جذب کند. عظمت و مهابت وی چنان بود که ابوحنیفه بر منصور وارد شد و امام (ع) حضور داشت، به گفته خودش چنان تحت تاثیر هیبت امام (ع) قرار گرفت که مهابت منصور با آن همه خدم و حشم در برابر آن هیچ بود. یکی از دانشمندان علم کلام، که بسیار بر خود می بالید و خود را برای مناظره با آن حضرت آماده کرده بود، چون چشمش به امام افتاد چنان تحت تاثیر قرار گرفت که حیران ماند و زبانش بند آمد. امام با وجود شجاعت و مهابت و قوت قلبی که داشت، در برخورد با مردم و خدمتکارانش بسیار بردبار و با گذشت بود و بدی را با نیکی پاسخ می داد. رفتارش با دیگران، حتی خدمتکاران بسیار ملایم و مهربانانه بود. خوشرو و خوش رفتار بود و ملایمت و نرمی معیار رفتارش شمرده می شد. روزی غلامش، که در پی کاری رفته بود، دیر کرد. امام (ع) در پی اش گشت و او را خوابیده یافت. نه تنها با او درشتی نکرد، بلکه کنارش نشست و او را باد زد تا بیدار شد. آنگاه به او فرمود: «تو را نشاید هم شب بخوابی هم روز، شب بخواب و روز کار کن.» گاه حتی بیش از این گذشت نشان می داد، به نماز می ایستاد و برای بدکننده از خدا آمرزش می طلبید. روزی شخصی که، امام را نمی شناخت، او را به دزدی متهم کرد. امام (ع) وی را به خانه برد و هزار درهم به او داد. چون شخص شرمنده و عذرخواه باز گشت و درهما را پس آورد، امام آن را نپذیرفت (حرانی، ۱۳۸۲).

### صبر:

امام صادق (ع) در برابر سختیها و مصیبتها بسیار پایدار بود. در برابر سختیهایی که حکومت برایش ایجاد می کرد و گاه حتی شبانه به منزلش می ریختند و به مرگ تهدیدش می کردند، استوار بود. او در غم از دست دادن فرزندان بسیار صبور بود. روزی با میهمانانش بر سر سفره بود که خبر درگذشت پسر بزرگش اسماعیل را آوردند. با آنکه اسماعیل را بسیار دوست داشت نه تنها بی تابی نکرد، بلکه با میهمانان نشست، لبخند زد، پیش میهمانان غذا گذاشت و آنها را به خوردن تشویق کرد و از روزهای دیگر بهتر غذا خورد. میهمانان از این که او را غمگین ندیدند تعجب کردند و سبب را پرسیدند. حضرت فرمود: «چرا چنین نباشم، راستگوترین راستگویان به من خبر داده است که من و شما خواهیم مرد.» چون کودکش مریض شده بود، غمگین بود و چون کودک درگذشت، اندوه را به کناری

## همایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



مقام معظم رهبری

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

نهاد و به جمع یاران پیوست. پرسیدند: «تا کودک بیمار بود، غمگین بودی و چون درگذشت، غم از چهره زدودی؟» فرمود: «ماخاندانی هستیم که پیش از وقوع مصیبت اندوهگین می شویم و چون فرمان حق در رسد به قضا رضا می دهیم و تسلیم فرمان حق هستیم. در فراق از دست دادن یاران و خویشاوندان اشک می ریخت، ولی پیوسته راست قامت بود. در شهادت عمویش «زید بن علی بن الحسین (ع)» گریست. در گرفتاری، شکنجه ها و شهادت عموزادگانش گریست، ولی همچنان پایدار ایستاد (فندرسکی، ۱۳۸۷).

### تواضع:

امام (ع)، با همه شرافت نسب و جلالت قدر و برتری دانشی که داشت، بسیار متواضع بود و در میان مردم چون یکی از آنان بود. به دست خویش خرما وزن می کرد. باغ خود را بیل می زد؛ آبیاری می کرد. چهارپا سوار می شد. و اجازه نمی داد حمام را برایش قرق کنند. چون بندگان بر زمین می نشست و غذا می خورد. و خود از میهمانانش پذیرایی می کرد. روزی برای دلجویی و دیدار به منزل یکی از بنی هاشم می رفت که کفشش پاره شد. کفش پاره را به دست گرفت و با یک پای برهنه تا مقصد رفت. یتیمان را نوازش و سرپرستی می کرد.

### صله رحم:

برخورد خوب در برابر رفتار بد و مهربانی در مقابل خشونت، معیار رفتارش بود. او می کوشید کینه ها را از دلها بشوید و پیوندهای بریده را دو باره برقرار سازد. از جمله سجایای اخلاقی امام (ع) این بود که از خطاکار در می گذشت و پیوندش را با کسی که از او بریده بود، برقرار می کرد. آنگاه که بین آن حضرت و «عبد الله بن الحسن» نوه امام حسن (ع) مشاجره ای در گرفت؛ عبد الله با آن حضرت درشتی کرد. وقتی دوباره یکدیگر را دیدند، امام حال عبد الله را پرسید. وی خشمگینانه گفت: «خوبم». امام فرمود: «آیا نشنیده ای که صله رحم حسابرسی قیامت را سبک می کند.» به گاه مرگ وصیت کرد تا به «حسن افضس»، پسر عموی آن حضرت که به قصد کشتن امام (ع) به ایشان حمله کرده بود، هفتاد دینار بدهند (قراملکی، احد و همکاران، ۱۳۸۶).

### کمک مالی برای برقراری صلح و آرامش:

او تنها برای برقراری پیوند و محبت بین خود و خویشاوندانش تلاش و از خود گذشتگی نمی کرد، بلکه برای برقراری دوستی بین دیگر مردم، بویژه شیعیانش، نیز می کوشید. از مال خویش مبلغی به یارانش داده بود تا هرگاه پیروانش با هم به نزاع برخیزند به آنها بدهند و بینشان آشتی برقرار سازند.

### همدردی با مردم:

## همایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



مقام معظم رهبری

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

نه تنها خود را در غم و شادی نزدیکان و یاران و پیروانش شریک می دانست، بلکه با تمام مردم همدردی می کرد. وقتی در مدینه نرخها بالا رفته بود به وکیل خرجش فرمان داد تا مواد غذایی موجود را بفروشد و مانند سایر مردم روزانه غذا تهیه کند. «معتب» می گوید: چون در مدینه نرخها بالا رفت، امام به من فرمود: چقدر مواد غذایی داریم؟ گفتم: «چند ماهی را کفایت می کند. فرمود: آنها را بفروش. گفتم: مواد غذایی در مدینه نایاب است. فرمود: آن را بفروش و بعد مانند مردم هر روز مواد غذایی خریداری کن. ای معتب، نیمی از خوراک خانواده ام را گندم قرار بده و نیمی را جو؛ خدا می داند من می توانم به آنها نان گندم بدهم ولی دوست دارم خداوند ببیند که برای اداره زندگی ام خوب برنامه ریزی کرده ام. نه تنها دستگیر خویشاوندان، شیعیان و عموم مسلمانان بود؛ بلکه نیازمندان غیر مسلمان را نیز کمک می کرد. «معتب» می گوید: بین مکه و مدینه همراه امام بودم. به مردی برخوردیم که خود را زیر درختی انداخته بود، امام فرمود: «به طرف او برویم، می ترسم تشنگی وی را از پای درآورده باشد.» راهمان را کج کردیم و به سوی او رفتیم؛ مردی مسیحی بود با موهای بلند. امام (ع) از او پرسید: «تشنه ای؟» گفت: «آری» امام فرمود: ای مصادف، آبش بده. من پیاده شدم و سیرابش کردم. سپس سوار شدیم و رفتیم. من گفتم: این مرد مسیحی بود، آیا به مسیحی هم کمک می کنی؟! فرمود: در چنین حالتی آری. به هنگام فتنه از مدینه خارج می شد و به یکی از باغهایش می رفت و چون شورش فرو می نشست و آرامش برقرار می شد، به مدینه باز می گشت (همان منبع).

### تاسیس دانشگاه جعفری یا حوزه علمیه

شاگردان امام باقر (ع) پس از درگذشت آن حضرت به گرد شمع وجود امام صادق (ع) حلقه زدند. امام علیه السلام نیز با جذب شاگردان جدید به تاسیس یک نهضت عظیم فکری و فرهنگی و بالنده مبادرت ورزید، به گونه ای که طولی نکشید مسجد نبوی در مدینه منوره و مسجد کوفه در شهر کوفه به دانشگاهی عظیم تبدیل شد. درگیری شدید بین بنی عباس و بنی امیه، آنان را آن چنان به خود مشغول کرده بود، که فرصتی طلایی برای امام صادق (ع) و یارانش به دست آمد، آن حضرت با استفاده از این فرصت به بازسازی و نوسازی فرهنگ ناب اسلام پرداخت و شیفتگان مکتب حق از اطراف و اکناف، از بصره، کوفه، واسط، یمن و نقاط مختلف حجاز به مرکز اسلام؛ یعنی مدینه، سرازیر شدند و چون پروانگانی دلباخته به گرد شمع وجود امام صادق (ع) تجمع کردند. روز به روز به تعداد شاگردان می افزود، به گونه ای که تعداد آنها به چهار هزار نفر رسید. شیخ طوسی (وفات یافته ۴۶۰ ه.ق) در رجال خود تعداد شاگردان امام صادق (ع) را ۳۱۹۷۱ مرد و ۱۲ زن نام می برد. «حسن بن علی بن زیاد و شاء» که خود از اساتید حدیث، و از شاگردان امام رضا (ع) است، می گوید: «من در مسجد کوفه نهصد استاد حدیث را دیدم که از امام صادق (ع) نقل حدیث می کردند، و مکرر می گفتند: قال الصادق، قال جعفر بن محمد (ع)». این دانشگاه عظیم صدها مجتهد، استاد، دانشمند و محقق تربیت شدند، که هر کدام از شخصیت های بزرگ علمی به شمار می آمدند، و گروهی از آنان دارای آثار علمی و شاگردان متعدد شدند. شیخ مفید (وفات یافته ۴۱۳ ه.ق) می

## همایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



مقام معظم رهبری

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

نویسد: «به قدری علوم از امام صادق (ع) نقل شده که در همه جا پخش شده، و زبان به زبان به گردش درآمده است، و از هیچ یک از افراد خاندان رسالت، آن همه علم و حدیث، نقل نشده است.» با توجه به این که شاگردان امام صادق (ع) به شیعیان انحصار نداشتند، بلکه دیگران نیز از خرمن فیض او خوشه می چیدند. مالک، پیشوای فرقه «مالکی» در ضمن گفتاری گوید: «در علم و عبادت و پاک زیستی، برتر از جعفر بن محمد (ع) هیچ چشمی ندیده، و هیچ گوشی نشنیده و به قلب هیچ بشری خطور نکرده است.» ابوحنیفه پیشوای فرقه حنفی، دو سال شاگرد امام صادق (ع) بود، به طوری که این دو سال را اساس و سرمایه اصلی علوم خود دانسته و می گوید: «لولا السنتان لهلک نعمان؛ اگر آن دو سال نبود، نعمان هلاک می شد.» از گفتنی ها این که: روزی منصور دوانیقی طاغوت عصر امام صادق (ع)، ابوحنیفه را احضار کرد و به او گفت: مردم شیفته جعفر بن محمد شده اند و او دارای شاگردان بسیار شده است، یک سری مسائل دشواری را نزد خود در نظر بگیر، تا در ملا عام از او بپرسی، تا او در پاسخ فروماند، و از نظر چشم مردم ساقط شود. «ابوحنیفه می گوید: چهل مساله مشکل نزد خودم ردیف کردم، و به مجلس منصور دوانیقی در «حیره» حاضر شدم، دیدم جعفر بن محمد (ع) در سمت راست منصور نشسته است، همین که چشمم به آن حضرت افتاد آن چنان تحت تاثیر شکوه و جلال او قرار گرفتم که خود را باختم، سلام کردم و با اشاره منصور نشستم، منصور به امام رو کرد و گفت: «این ابوحنیفه است.» امام فرمود: آری او را می شناسم. سپس منصور به من رو کرد و گفت: «ای ابوحنیفه! مسائل خود را از جعفر بن محمد (ع) بپرس.» من سؤال های خود را مطرح کردم، هر سوالی که از آن حضرت می پرسیدم، او بی درنگ پاسخ می داد، و ابعاد مساله را بیان می کرد، و می گفت: عقیده شما درباره این مساله چنین است، و به عقیده مردم مدینه چنان است و به عقیده ما چنین می باشد، در بعضی از موارد نظر آن حضرت با عقیده من موافق بود و در بعضی موارد با نظر اهل مدینه توافق داشت و گاهی با هر دو مخالف بود، و به این ترتیب به چهل سؤال مطرح شده من پاسخ داد، آن گاه ابوحنیفه گفت: «اے ایس ان اعلم الناس اعلمهم باختلاف الناس؛ مگر نه این است که دانشمندترین مردم آن کسی است که آگاه ترین آنها به اختلاف مردم به فتواها و مسائل فقهی باشد.» از حوزه علمیه امام صادق (ع) شاگردان برجسته ای که خود بعدها به عنوان استاد و اسطوانه جهان تشیع به شمار می آمدند و هر کدام موسس کلاس های بزرگ علمی، و صاحب تالیفات شدند بروز نمودند؛ مانند هشام بن حکم، جابر بن حیان، زراره بن اعین، ابان بن تغلب، مفضل بن عمر، هشام بن سالم، مؤمن الطاق و... هشام بن حکم علامه عصر خود بود و تعداد تالیفات او را که بیش تر در محور معارف و عقائد به ویژه درباره مساله مامت بود، تا ۳۱ کتاب ذکر نموده اند. جابر بن حیان که او را پدر علم شیمی می خوانند، یکی از شاگردان امام صادق (ع) بود که کتابی در هزار صفحه، شامل پانصد رساله در علوم مختلف تالیف نمود. کوتاه سخن آن که: تاریخ نویس و تحلیل گر مشهور «ابن خلکان» می نویسد: «جعفر بن محمد (امام صادق) یکی از امامان

## همایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



مقام معظم رهبری

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

دوازده گانه بر اساس مذهب شیعه امامیه، از بزرگان خاندان پیامبر (ص) است که به خاطر راستی و درستی رفتار و کردار و گفتارش، او را صادق نامند، فضایل و کمالاتش مشهورتر از آن است که نیاز به توضیح باشد. سپس به عنوان نمونه یکی از شاگردانش، جابر بن حیان را معرفی می کند (قائمی، ۱۳۷۷).

### مبارزه امام صادق (ع):

همان گونه که بیان شد امام صادق (ع) دوش به دوش نهضت عظیم علمی و انقلاب فرهنگی، در هر فرصتی به طاغوت زدایی پرداخت، او هرگز تسلیم طاغوت های عصرش نشد، بلکه همواره با آنها در ستیز بود، و سرانجام در همین راستا، او را شهید کردند. آن حضرت گرچه قیام مسلحانه بر ضد طاغوت های عصرش نکرد، ولی با شمشیر زبان و قلم، در هر فرصتی به جنگ آنها رفت و آنها را محکوم کرد، و در مورد قیام مسلحانه، به یکی از شاگردانش به نام سدیر که در کنار چند عدد گوسفند توقف کرده بودند فرمود: «والله لو كان لي شيعة بعدد هذه الجداء ما وسعني القعود؛ سوگند به خدا اگر شیعیان (راستین) من به اندازه تعداد این بزغاله ها بودند، خانه نشینی برایم روا نبود، و قیام می کردم.» وقتی که سدیر آن بزغاله ها را شمرد، هفده عدد بودند. امام صادق (ع) همواره مساله ولایت را مطرح می کرد، و می فرمود: «ولایت از نماز، روزه، زکات و حج برتر است، و دلیل آن را چنین ذکر می کرد: «لأنها مفتاحهن والوالی هو الدلیل علیهن؛ زیرا ولایت کلید همه آنها است، و حاکم و رهبر، راهنمای مردم به سوی همه آنها است.» و گاهی می فرمود: «من مدح سلطانا جائرا و تخفف وتضعف له طمعا فيه كان قرينه فی النار؛ کسی که سلطان ستمگری را تمجید کند، و در برابر او فروتنی و کرنش نماید، تا در کنار او به نوایی برسد، چنین کسی همدم آن سلطان در میان آتش دوزخ خواهد بود.» و زمانی دیگر از رسول خدا (ص) نقل می کرد که فرمود: «الفقهاء امانة الرسل ما لم يدخلوا فی الدنيا؛ علمای دین نمایندگان امین پیامبران هستند تا هنگامی که وارد در دنیا نشده اند.» شخصی از رسول خدا (ص) پرسید: نشانه ورود آنها در دنیا چیست؟

رسول خدا (ص) فرمود: «اتباع السلطان، فاذا فعلوا ذلك فاحذروهم علی دینکم؛ پیروی سلطان، هرگاه دانشمندان چنین کنند، برای حفظ دینتان از آنها بپرهیزید.» منصور دوانیقی، دومین طاغوت خشن عباسی در ضمن نامه ای به امام صادق (ع) نوشت: «چرا مانند سایر مردم به مجلس ما نمی آیی و جزء اطرافیان ما نمی شوی تا از سوی ما بهره مند گردی؟!» امام صادق (ع) در پاسخ نوشت: «در نزد ما (از امور مادی) چیزی نیست که برای آن از تو بترسیم، و در نزد تو از نظر معنوی چیزی نیست که به خاطر آن به تو امیدوار گردیم، در نزد تو نه نعمتی وجود دارد که به حضورت بیایم و به خاطر آن به تو تبریک گوئیم، و نه تو خود را در بلا و مصیبت می بینی که

## همایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



مقام معظم رهبری

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

بیاییم و به تو تسلیمت بگوییم، بنابراین برای چه نزد تو بیایم و در مجلس تو شرکت کنم؟» منصور پس از دریافت این پاسخ کوبنده، نوشت: نزد ما بیا و ما را نصیحت کن. امام صادق (ع) در جواب نوشت: «کسی که دنیا خواه است تو را نصیحت نمی کند (زیرا دنیاپیش به خطر می افتد) و کسی که آخرت خواه باشد، نزد تو نمی آید.» به این ترتیب امام صادق (ع) انقلاب سیاسی خود را پی ریزی می کرد، و مردم را بر ضد حکومت طاغوتیان می شورانید و از نزدیک شدن به آنها برحذر می داشت، و دو موضوع انقلاب فرهنگی و سیاسی را در راس مسائل، و از مسائل اصلی قرار داده بود، پیروان راستین او نیز باید در همین صراط مستقیم که همان صراط مستقیم قرآنی است گام بردارند.

### فعالیت های سیاسی امام جعفر صادق (ع)

برخی با دیده پوشی از بُعد سیاسی حرکت های امام صادق علیه السلام، او را نشسته بر کرسی تدریس و فردی تنها مشغول تحقیق علمی می دانند؛ حال آنکه جهت گیری های سیاسی امام، انکار ناپذیر است. سیاست برای ائمه علیهم السلام، تعریفی دیگر دارد و آن اجرای احکام فردی - اجتماعی اسلام و فراهم آوری زمینه دست یابی مردم به آرمان های قرآنی است. امام صادق علیه السلام نیز با این خط مشی پیامبر پسند، طبق شرایط و مقتضیات زمان خویش، با پدید آوردن انقلاب ریشه ای فرهنگی، این مهم را محقق ساخت و چهره زیبای اسلام را از سالیان انزوا در آورد. این سیاست موفق و کوبنده است که سیاست منصور دوانیقی را به خاک ذلت می کشاند (فائمی، ۱۳۷۷).

عصر امام صادق علیه السلام، دوران جنبش فکری و فرهنگی بود، به طوری که هر کس متاع فکری داشت، به بازار دانش عرضه می کرد. استاد شهید مطهری برخی از عوامل پیدایش این جنبش علمی را چنین خلاصه می کند: ۱. آزادی فکر و عقیده در اسلام راه را برای ایجاد یک نهضت علمی، هموار کرده بود؛ ۲. محیط آن روز، کاملاً مذهبی بود و مردم تحت تأثیر انگیزه های مذهبی، تشویق های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به دانش آموزی و دعوت قرآن به اندیشیدن، شور علمی فراوانی داشتند؛ ۳. ملت هایی که اسلام را پذیرفته بودند، سابقه فکری و علمی داشتند و به منظور درک عمیق تعلیمات اسلام، به تحقیق و جست و جو و تبادل نظر می پرداختند؛ ۴. هم زیستی مسالمت آمیز با غیر مسلمانان، به ویژه با اهل کتاب و برخورد علمی مسلمانان با آنان، بحث و بررسی و مناظره را به دنبال داشت. عصر امام صادق علیه السلام، دوره برخورد اندیشه ها و پیدایش مذاهب مختلف بود. در اثر ارتباط مسلمانان با عقاید و آرای اهل کتاب و نیز دانشمندان یونان، شبهه ها و اشکال های گوناگونی پدید آمده بود. در آن زمان، فرقه هایی همچون معتزله، جبریّه، مرجئه، غالیان، زندیق ها، منکران توحید، مشبّهه و امثال آن پدید آمده بودند

## همایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



مقام معظم رهبری

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

که هر کدام عقاید خود را ترویج می کردند. از این گذشته، در زمینه هر یک از علوم اسلامی نیز در میان دانشمندان آن علم اختلاف نظر پدید می آمد. برای مثال در علم قرائت قرآن، تفسیر، حدیث، فقه، کلام و عقاید، بحث های داغی در می گرفت و هر کس به نحوی نظر می داد و از عقیده ای طرفداری می کرد. از این رو، امام صادق علیه السلام برای معرفی اسلام و مبانی تشیع، مناظره های متعدد و پرهیزجانی با سران و پیروان این فرقه ها و مسلک ها داشت و با استدلال های متین و منطق استوار، پوچی عقاید آنان و برتری مکتب اسلام را ثابت می کرد (بحار الانوار، جلد ۴۷).

### ۱- فقه امام صادق علیه السلام:

فقه امام صادق علیه السلام در برابر فقه وابسته به امویان و عباسیان، تنها تجلی بخش یک اختلاف عقیده دینی ساده نبود، بلکه در عین حال دو مفهوم را نیز پی می گرفت: ۱. اثبات بی نصیبی دستگاه حکومت از آگاهی های لازم دینی و ناتوانی آن از اداره امور فکری مردم، یعنی در واقع عدم صلاحیت آن برای در دست گرفتن مقام خلافت؛ ۲. مشخص ساختن موارد تحریف دین که ناشی از دیدگاه های عالمان وابسته و ملاحظه کاری آنان در برابر خواست قدرت های حاکم بود. امام صادق علیه السلام با گستردن بساط علمی و بیان فقه، معارف اسلامی و تفسیر قرآن به شیوه ای غیر از شیوه عالمان وابسته، در عمل به معارضة با آن دستگاه ستم پیشه برخاسته بود. در آموزش های امام صادق علیه السلام به یاران و نزدیکانش، بهره گیری از عامل «بی نصیبی خلفا از دانش دین» به عنوان دلیلی که از نظر اسلام، آنان حق حکومت ندارند به روشنی مشاهده می شود. در حدیثی از آن حضرت چنین نقل شده است: «ما کسانی هستیم که خداوند فرمانبری از آنان را لازم ساخته است، در حالی که شما از کسی پیروی می کنید که مردم به دلیل جهالت او در نزد خدا معذور نیستند»؛ یعنی کسانی که بر اثر جهالت زمامداران نااهل دچار انحراف گشته و به راهی جز راه خدا رفته اند، نمی توانند در پیشگاه خدا به این عذر متوسل شوند که: ما به تشخیص خود راه خطا را نپیمودیم، این فرمانروایان ما بودند که از روی جهالت، ما را به این راه کشاندند؛ زیرا اطاعت از چنین زمامدارانی، خود، کاری خلاف بوده است، پس نمی تواند کارهای خلاف بعدی را توجیه کند.



## همایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



مقام معظم رهبری

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

نهضت عباسی به پیش می رفت و پایه های دولت اموی را بیش از پیش سست می کرد. اندک اندک پرچم های پیروزی به اهتزاز در آمد و نشانه های فتح نمایان شد. ابوسلمه برای بار دوم، در نامه ای به امام صادق علیه السلام نوشت: هفتاد هزار جنگجو در رکاب ما آماده هستند، اکنون موضع خود را روشن کن. امام همچنان جواب منفی داد. یکی از یاران حضرت می گوید: من و ابان بن تغلب به محضر امام صادق علیه السلام رسیدیم و این هنگامی بود که پرچم های سیاه در خراسان برافراشته شده بود. عرض کردیم: اوضاع را چگونه می بینید؟ حضرت فرمود: «در خانه های خود بنشینید. هر وقت دیدی ما گرد مردی جمع شده ایم، با سلاح به سوی ما بشتابید». آن حضرت در بیان دیگری به یاران خود فرمود: «زبان های خود را نگاهدارید و از خانه های خود بیرون نیایید؛ زیرا آنچه به شما اختصاص دارد، به این زودی به شما نمی رسد».

### ۳- گواهی تاریخ

امام صادق علیه السلام می دانست که رهبران قیام بر ضد امویان، هدفی جز رسیدن به قدرت ندارند و اگر شعار طرفداری از اهل بیت علیهم السلام را هم مطرح می کنند، صرفاً به منظور جلب حمایت توده های شیفته اهل بیت علیهم السلام است. تاریخ به روشنی گواهی می دهد که ابوسلمه و خالغ پس از رسیدن نیروهای خراسان به کوفه و به دست گرفتن زمام امور سیاسی، پست های سیاسی و نظامی را در میان اطرافیان خود تقسیم کرد. او می خواست با برگزیدن خلیفه ای علوی، قدرت اصلی دولت را خود در دست بگیرد و خلیفه فقط در حد یک مقام ظاهری و تشریفاتی باشد. امام صادق علیه السلام نیک می دانست که آنان دنبال چهره روشنی از اهل بیت علیهم السلام می گردند که از محبوبیت او در راه رسیدن به اهداف خود بهره برداری کنند و به امامت آن حضرت اعتقاد ندارند.

### ۴- آماده سازی شیعیان

سران قیام عباسی، صلاحیت لازم را برای یک قیام اصیل مکتبی نداشتند و امام صادق علیه السلام که وضع و حال فکری و عملی امت را می دانست و از شرایط سیاسی و اجتماعی آگاه بود، قیام به شمشیر و پیروزی مسلحانه و فوری را برای برپاداشتن حکومت اسلامی کافی نمی دید. علت هم این بود که برای تشکیل حکومت خالص اسلامی، تنها آماده کردن قوا برای حمله نظامی کافی نبود، بلکه پیش از آن می بایست سپاهی عقیدتی تهیه می شد که به امام و عصمت او ایمان و شناخت کامل داشته باشند و هدف های بزرگ او را درک کنند و در حکومت، از برنامه او پشتیبانی کرده، از دستاوردهای به دست آمده پاسداری کنند.



## همایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

مقام معظم رهبری

### ۵- حمایت از اهل بیت علیهم السلام

امام صادق علیه السلام در برابر زورگویی حاکمان ستمگر اموی و عباسی، مقاومت شایسته ای از خود نشان می داد. منصور دوانیقی پس از فرونشاندن نهضت محمد نفس زکیه و ابراهیم، پسران عبدالله محض، شبیه پسر غفال را فرماندار مدینه قرار داد. شبیه به مدینه آمد و در سخنانی، حضرت علی علیه السلام را به تفرقه افکنی میان امت متهم کرد و فرزندان ایشان را فاسد نامید. در آن هنگام امام صادق علیه السلام، شجاعانه صف جمعیت را شکافت و در مقابل فرماندار منصور خلیفه ایستاد و چنین فرمود: «ما خدا را ستایش می کنیم و بر محمد صلی الله علیه و آله، آخرین پیام آور و سرور پیامبران و نیز بر همه پیامبران درود می فرستیم. خوبی هایی که گفتی، سزاوار ماست و آنچه از زشتی بر زبان راندی، تو و منصور به آن سزاوارید».

### ۶- رازداری شیعیان

در میان احادیث معصومان، بیشترین روایات تقیه از امام صادق علیه السلام نقل شده است. از جمله آن حضرت به یکی از یاران خود به نام مُعلی فرمودند: «ای معلی! اسرار ما را پنهان کن و از آشکار کردن آن ها بپرهیز؛ زیرا مخفی نگه داشتن و حراست رمز و راز ما، سبب عزت دنیوی و نیز نورانیت به هنگام ورود در بهشت می گردد. ای معلی! سیره و روش آل رسول صلی الله علیه و آله، تقیه و حفظ اسرار است و ترک کننده تقیه، از دین ناب فاصله دارد. ای معلی! همان گونه که خداوند سبحان دوست دارد آشکارا پرستش شود، علاقه مند است در نهان نیز او را بپرستند. تقیه، عبادت پنهانی است و هر آنکه اسرار ما را فاش سازد، مانند منکر آنهاست». همچنین آن حضرت در روایت دیگر فرمود: «هر آنکه اهل حفظ اسرار ما خاندان نباشد، اهل ایمان نبوده و هیچ خیری در او نیست».

### ۷- دوران تقیه:

دوران پراختناق امام صادق علیه السلام، آن حضرت را وا می داشت به مناسبت های مختلف، موضوع تقیه را با یاران خاص خود مطرح و آن را لازم و واجب معرفی کند. امام ششم، یاران خود را تمرین می داد که در میان آشنایان خود نیز به تقیه کردن توجه کنند. صادق آل محمد علیه السلام به یکی از یاران خود به نام مدرک فرمودند: «ای مدرک! با ما بودن به این نیست که دستورها و احادیث ما را بپذیری، بلکه کتمان و حفظ آنها از اغیار نیز یک ضرورت است». نیز ایشان در روایت دیگر فرمود: «آهی که به دلیل اظهار اندوه بر مصیبت های خاندان پیغمبر صلی الله علیه و آله از سینه برآید، پاداش تسبیح خداوند تعالی را دارد و کوششی که در جهت



## همایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

مقام معظم رهبری

احیای نام و یاد خاندان نبوی باشد، عبادت محسوب می گردد و مخفی نگه داشتن اسرار آل محمد صلی الله علیه و آله ، جهاد در راه خداست» (همان منبع).

### ۸- دوستی های پنهان:

اواخر امامت حضرت صادق علیه السلام به گونه ای بود که آن حضرت برای محفوظ ماندن جان شاگردان و یاران خاص خود، در ظاهر، آنان را رد و نکوهش می کرد؛ زیرا با فاش شدن نام آنان جانشان به خطر می افتاد. برخی اشخاص برای پرسیدن مسائل، در لباس میوه فروش به در خانه آن حضرت می رفتند و جواب های خود را می گرفتند. امام صادق علیه السلام به عبدالله پسر زراره فرمود: «به پدرت سلام برسان و به او بگو: اگر سخنی بر ضد تو می گویم، برای دفاع از توست. دشمنان همواره تلاش می کنند افرادی را که در نزد ما جایگاه دارند و به ما نزدیک اند، بیازارند. آنان این افراد را به دلیل دوستی ما به آنان از بین می برند. در عوض هر که را ما نکوهش می کنیم و رد می نمایم ستایش می کنند. [به پدرت بگو] اگر در ظاهر تو را نکوهش می کنم، به آن سبب است که تو به ولایت ما شناخته شده ای و همه می دانند که خواهان مایی. خواستم در ظاهر تو را رد کنم تا شر دشمنان از تو برداشته شود» (همان منبع).

### ۹- نماز شایسته:

امام صادق علیه السلام در آخرین لحظات عمر خویش، در سخنانی ارزشمند، مسلمانان را به ادای شایسته فریضه نماز سفارش کرد. سفیان بن خالد در توصیف نماز امام صادق علیه السلام می گوید: آن حضرت روزی نماز می خواند. مردی از پیش روی حضرتش گذشت و پسر ایشان موسی علیه السلام هم نشسته بود. هنگامی که نماز حضرت به پایان رسید، موسی علیه السلام به ایشان گفت: ای پدر! آیا ندیدی که آن مرد از پیش رویت گذشت؟ امام فرمود: «ای پسرکم! آن کس که برایش نماز می گزاردم، از آنکه از پیش رویم گذشت، به من نزدیک تر است.

### نتیجه گیری

یکی از راه های شناخت یک امر، آشنایی با آثار و نشانه های آن و اندیشیدن درباره آنهاست. خدای حکیم نیز در قرآن کریم مردم را به تفکر در نشانه هایش بر روی زمین و آسمان ها فرامی خواند و می فرماید: «به زودی برای مردم نشانه های خود را در اطراف زمین و درون جانشان می نمایانیم تا بر آنان آشکار شود که او حق است». امام صادق علیه السلام در تبیین معارف الهی به یاران خود، بر این نکته مهم بسیار تأکید می کرد و رساله توحید مفضل،



مقام معظم رهبری

## همایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

نمونه بارز و روشن این مسئله است. دوران سی و چهار ساله امامت امام صادق علیه السلام، عصر شکوفایی معارف اهل بیت علیهم السلام بود. آن حضرت در این دوران از درگیری بنی امیه و بنی عباس و اشتغال آن ها به خودشان استفاده کرده و با توجه به نیاز شدید جامعه آن زمان و آماده بودن زمینه اجتماعی، با ایجاد یک حوزه وسیع علمی و دینی، به تربیت شاگردان بسیاری در زمینه های مختلف علمی و مذهبی پرداختند. عده شاگردان معروف ایشان را تا چهار هزار نفر و مجموع آن ها را تا ۱۲ هزار نفر هم نوشته اند. به این ترتیب آن حضرت ضمن مبارزه با شبهات مسموم بدعت گزاران، اسلام نام محمدی را از زیر حجاب تیره و تاریک بنی امیه و بنی عباس بیرون آوردند. مکتب امام صادق علیه السلام، مکتب امامت، خلافت الهی و هدایت انسان ها است، و گاه حتی مکتب درس آموزی برای کسب روزی حلال. امام صادق علیه السلام به منظور گسترش اسلام و تبلیغ جریان اصیل امامت و افزایش آگاهی و معلومات علمی مسلمانان، کلاس های درسی بسیاری برگزار می کردند. در این کلاس ها از همه دسته ها، گروه ها و از سنین مختلف و رتبه های متفاوت علمی حضور می یافتند. و همگان حق اظهار نظر و انتقاد داشتند؛ اگرچه عظمت، جلال و هیبت امام به گونه ای بود که همه با احترام، با آن حضرت برخورد می کردند. امام صادق علیه السلام منبع فیض بودند و مردم از گوشه و کنار کشورهای اسلامی به خدمت آن حضرت می آمدند تا از مجلس درس ایشان فیض گیرند.

### منابع

### قرآن کریم

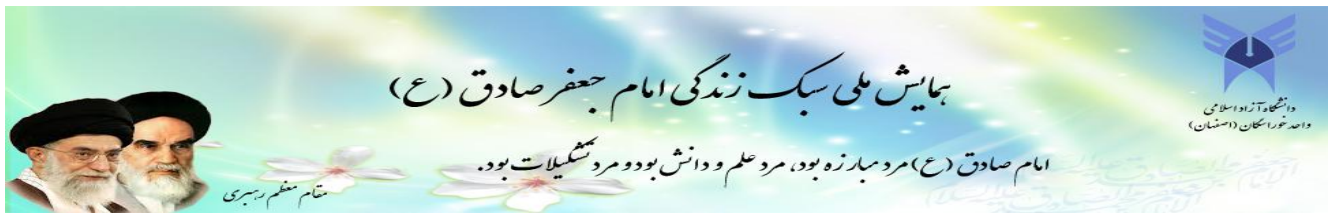
ارشاد شیخ مفید، انتشارات علمیه اسلامیة، ج ۲، باب ۱۲ و اصول کافی، کلینی، دارالاضواء، ج ۱، ص ۴۷۲.

بحار الانوار، همان، ص ۱۰۹؛ الخرائج و الجرائح، همان، ص ۶۴۷؛ مدینه المعاجز، همان، ج ۵، ص ۲۲۶؛ مناقب ابن شهر آشوب، انتشارات علامه، ج ۴، ص ۲۲۵.

بصائر الدرجات، صفار قمی، منشورات مکتبه آیت الله النجفی، ص ۲۴۳؛ مدینه المعاجز، همان، ج ۵، ص ۳۱۴؛ اثبات الهداء، همان، ج ۳، ص ۱۰۲؛ الخرائج و الجرائح، همان، ج ۲، ص ۷۲۹.

الخرائج و الجرائح، قطب الدین راوندی، مؤسسه امام مهدی، ج ۲، ص ۷۴۲؛ مدینه المعاجز، همان، ج ۶، ص ۷۸؛ اثبات الهداء، شیخ حر عاملی، ج ۳، ص ۱۲۱؛ بحار الانوار، همان، ج ۴۷، ص ۱۱۸.

شرح المقاصد، تفتازانی، شریف رضی، ج ۵، ص ۷۶.



## همایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

مقام معظم رهبری



شیخ ابو محمد، حرانی، (۱۳۸۲). تحف العقول، ترجمه صادق حسن زاده، قم، آل علی.

فندرسکی، میرابوالقاسم، (۱۳۸۷). رساله صناعیه، تحقیق خسرو جمشیدی، قم، بوستان کتاب.

قائمی، علی، (۱۳۷۷). در مکتب احیاگر تشیع، انتشارات امیری، ج ۱، ص ۹.

قراملکی، فرامرز، احد و همکاران، (۱۳۸۶). اخلاق حرفه ای در تمدن ایران و اسلام، تهران پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

مدیند المعاجز، بحرانی، مؤسسه معارف اسلامی، ج ۵، ص ۲۴۶؛ دلائل الامامه، ابن جریر طبری، مؤسسه البعثه، ص ۲۹۸؛ اختصاص، شیخ مفید، جامعه مدرسین، ص ۲۴۶.

الوافی بالوفیات، صلاح الدین الصفدی، ج ۱۱، ص ۱۲۷؛ تهذیب الکمال، جمال الدین مزی، مؤسسه الرساله، ج ۵، ص ۷۹؛ الکامل فی الضعفاء، جرجانی، دارالفکر، ج ۲، ص ۱۳۲.